



بررسی و مطالعه ظرف سفالی پایه مخروطی دوره مفرغ قدیم I حوضه هلیل رود در پردیس موزه ای دفینه

طیبه الماسی^۱

دانش آموخته دکتری باستان شناسی دوران تاریخی / پژوهشگر آزاد

 <https://doi.org/10.22034/ciom.2025.2036133.1024>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۴/۳۰، تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۵

نوع مقاله: پژوهشی، صص ۱۳۴-۱۲۶

چکیده

یکی از آثار به نمایش درآمده در پردیس موزه ای دفینه، ظرف سفالی پایه مخروطی است که از کاوش غیرعلمی به دست آمده است. ظرف سفالی با ارتفاع ۵۵ سانتی متر، دارای کیفیت ساخت مرغوب، پوشش گلی غلیظ به رنگ نخودی و نقوش به نقوش هندسی است. نقش اصلی ظرف، تصویر استلیزه شده درخت سرو به رنگ اخرايي با خطوط محیطی مشکی رنگ است که سه بار بر بدنه ظرف تکرار شده است. بین هر یک از درخت های سرو، سه قاب مستطیل شکل با نقوش خطی و در نوارهای بالا و پایین طرح اصلی، ردیف لوزی های متصل به هم طراحی شده است. تقارن نقوش با ترکیب سه تایی، علاوه بر ایجاد تعادل و ریتم، باعث کاهش سکون طرح و افزایش پویایی آن شده است.

با توجه به عدم وجود اطلاعات درباره زمینه یافت ظرف (کانتکست)، هدف از این پژوهش، بررسی و مطالعه دوره تاریخی-فرهنگی ظرف مذکور است. بر این اساس، در مقاله پیش رو به این پرسش اساسی پرداخته می شود که دوره فرهنگی، ویژگی هنری و منطقه سفال مورد نظر کدام است. بررسی فرم، شیوه اجرا و نقوش ظرف و مقایسه آن با داده های سفالی به دست آمده از کاوش های

باستان‌شناسی محوطه‌های یحیی، ورامین، محطوط‌آباد، قلعه گنج و دهنو نشان می‌دهد که این ظرف به حوضه هلیل‌رود در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد (۳۳۰۰ تا ۲۹۰۰ پ.م) نزدیک است. دوره مذکور در حوضه هلیل‌رود با فرهنگ ورامین (یا دوره ورامین ۱۷ در محوطه ورامین) شناخته می‌شود که سفال‌های آن تحت تأثیر فرهنگ سفالی علی‌آباد و سبک‌های بومی-محلی قرار دارد. بر این اساس، ظرف سفالی پایه‌مخروطی را می‌توان مربوط به فرهنگ ورامین مرتبط با دوره مفرغ قدیم I در حوضه هلیل‌رود دانست. این دوره همزمان با دوره محطوط‌آباد III، یحیی IVC، بمپور I-IV و در جنوب غرب ایران دوره شوش III و آغاز ایلامی است. در این مقاله، پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته و شیوه پژوهش برپایه مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی است.

واژگان کلیدی: جنوب شرق ایران، دوره مفرغ قدیم I، حوزه هلیل‌رود، دوره ورامین.



مقدمه

آثار حاصل از کاوش‌های غیرعلمی را عموماً آثار غیرقابل استناد به شمار می‌آورند که برداشت اطلاعات از آن‌ها به واسطه نبود زمینه (کانتکست) به راحتی ممکن نیست، در مواردی که اثر دارای ویژگی شاخص و منحصری باشد، می‌توان با مطالعه تطبیقی با آثار محوطه‌های دیگر که مورد بررسی و مطالعه باستان‌شناسی قرار گرفته، دوره و منطقه اثر مورد نظر را به صورت تقریبی مشخص کرد. در بخش ایران پردیس موزه‌ای دلفینه، ظرفی سفالی برای نمایش قرار دارد که از حفاری غیرعلمی به دست آمده است. بر روی ظرف مطالعه‌ای صورت نگرفته و اطلاعات ما درباره محل یافت، لایه استقرار، دوره فرهنگی و تاریخی آن نامشخص است. در بررسی اولیه، ظرف مشخصه فرهنگ‌های جنوب شرق ایران و خاصه کرمان را دارد که اثبات این امر نیازمند بررسی و مطالعات تطبیقی است.

فعالیت‌های باستان‌شناسی استان کرمان تا پیش از دهه ۶۰ شمسی محدود به کاوش در سه محوطه تل ابلیس، یحیی و شهداد بود و عملاً منطقه، در مقیاس گلی، مورد بررسی و مطالعه دقیق قرار نگرفت. بعد از آخرین کاوش‌ها در منطقه شهداد (سال ۱۳۵۶ ه.ش) تا اواخر دهه ۷۰ شمسی، مطالعات باستان‌شناسی دچار رکود شد و در مقابل، حفاری‌های غیرمجاز، به صورت گسترده به وسیله افراد بومی منطقه انجام گرفت. یکی از این حفاری‌ها، در اواخر سال ۱۳۷۹ ه.ش و به مدت نه ماه رخ داد که طی آن، بسیاری از گورستان‌های متعلق به دوره مفرغ از جمله ریگانبار، محوطه آباد، آتشان، ورامین، کنارو، گیشکی مورد تاراج قرار گرفتند (شهسواری و طیبی، ۱۳۹۳: ۹۹-۱۲۰). واکنش سازمان میراث فرهنگی نسبت به این حجم از حفاری‌های غیرمجاز، تلاش برای آگاه‌سازی و مدیریت مطالعات باستان‌شناسی بود، اما این تلاش‌ها، به دلیل کاوش‌های نامنظم، عدم پیگیری و عدم انتشار نتایج، بی‌اثر بود و حفاری‌های غیرمجاز، بار دیگر از سر گرفته شدند (کشوری، ۱۴۰۰).

پرسشی که در این پژوهش با آن روبه‌رو هستیم دوره فرهنگی، ویژگی فرهنگی و منطقه فرهنگی سفال مورد نظر است. روش پژوهش در این مقاله توصیفی-تحلیلی است که از مطالعات کتابخانه‌ای و میدانی جهت عکاسی، طراحی و مقایسه ظرف سفالی استفاده شده است. داده‌های سفالی قابل مقایسه با نمونه مورد بحث به لحاظ نقوش سفالی، ترکیب بندی بصری و هماهنگی در طرح‌های اجرا شده قابل بررسی تطبیقی است. در ادامه با ثبت کمی و کیفی نمونه‌های مورد مطالعه، به تحلیل و تاریخ گذاری این ظرف سفالی می‌پردازیم.



بررسی و مطالعه ظرف
سفالی پایه مخروطی
دوره مفرغ قدیم
حوضه هلیل رود

معرفی اثر

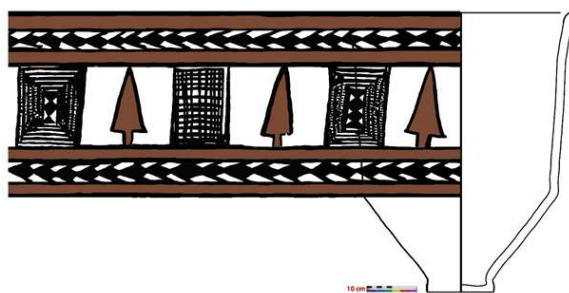
ظرف سفالی مورد مطالعه، با کد شناسه ای ۴۳۴۳۴م، در پردیس موزه ای دفینه نگهداری می شود. این ظرف دارای ارتفاع ۵۵ سانتی متر، قطر دهانه ۴۴ سانتی متر و قطر پایه ۱۳ سانتی متر است که به صورت دست ساز، با شاموت کانی ریز، پخت مناسب، سطح صیقلی و لعاب گلی نخودی ساخته شده است (تصویر ۱). سطح سفال، منقوش به نقوش هندسی در دو رنگ مشکی و اخراپی است. از آنجایی که ظرف دارای لعاب گلی غلیظ نخودی است، در ظاهر به نظر می رسد با سه رنگ نخودی، سیاه و اخراپی منقوش شده است. این نشان از استفاده آگاهانه سفالگر از رنگ زمینه دارد که به طور منفی آن را در ترسیم نهایی خود گنجانده است.

نقش اصلی، استلیزه درخت سرو به رنگ اخراپی با خطوط محیطی مشکی رنگ است که سه بار بر بدنه ظرف تکرار شده است. در فاصله میان درخت ها، سه طرح درون قاب مستطیل شکل ترسیم شده که دو طرح آن، مستطیل های متحدالمرکز با تکرار نقش لوزی در مرکز آن و به رنگ مشکی است. این دو طرح تفاوت های اندکی با هم دارند که مربوط به تعداد لوزی ها در مرکز مستطیل هاست. طرح دیگر ترکیبی از خطوط عمودی و افقی درون قاب مستطیل شکل است. در نوارهای بالا و پایین ظرف، لوزی های متصل به هم به رنگ مشکی نقاشی شده اند که نمایانگر نقشی شبیه به ردیف ماهی هاست (تصویر ۲). تقارن

نقوش، به صورت ترکیب سه تایی، از حالت سکون نقش کاسته و بر پویایی آن افزوده است. ظروف سفالی پایه مخروطی با توجه به ابعاد و اندازه، برای کاربری ذخیره طراحی شده اند، اما کیفیت بالای ساخت، شیوه پخت و تزئینات این ظرف نشان می دهد که علاوه بر کاربری ذخیره، احتمالاً برای کاربردهای خاصی نظیر ارائه در مراسم تشریفاتی نیز استفاده می شده است.



■ تصویر ۱: تصاویر ظرف سفالی پایه مخروطی موجود در پردیس موزه ای دفینه



■ تصویر ۲: طرح ظرف سفالی (نگارنده)



گاه‌نگاری حوضه هلیل‌رود-کرمان

از منظر جغرافیایی، حوضه هلیل‌رود شامل سرچشمه‌های هلیل‌رود در شمال جیرفت تا حوضه جازموریان در رودبار است. این منطقه را نخستین بار استین مورد بررسی قرار داد (Stein, 1937) و بررسی و مطالعات بعدی موجب معرفی محوطه‌های شاخصی چون تل ابلیس (Caldwell, 1967: 7-8) و تپه یحیی (Lamberg-Karlovsky, 1972) و تدوین جدول گاه‌نگاری حوضه هلیل‌رود شد (تصویر ۳).

تل ابلیس

تل ابلیس در بردسیر کرمان بین سال‌های ۱۹۶۴ تا ۱۹۶۶ م. از سوی کالدول کاوش شد (ویت و دایسون، ۱۳۸۲: ۶۹) که نتیجه آن شناسایی هشت لایه فرهنگی بود. محوطه براساس تاریخ‌گذاری کربن ۱۴ (Caldwell, 1967: 33-41) و تاریخ‌گذاری مطلق به‌دست آمده از کاوش تپه‌های دهنو (اسکندری، ۱۳۹۷: ۳۳-۳۴) شامل ابلیس ۰ (همزمان با یحیی ۷۱): ۵۳۵۰-۵۷۰۰ پ.م، ابلیس ۱ (همزمان با یحیی ۷b-c): ۴۷۰۰-۵۳۵۰ پ.م، ابلیس II (همزمان با یحیی ۷a- و ورامین ۱ و گز صالح): ۴۲۰۰-۴۷۰۰ پ.م، ابلیس III (همزمان با محوطه‌آباد ۱): ۴۲۰۰ تا ۳۸۰۰ پ.م، ابلیس IV از ۳۸۰۰ تا ۳۳۰۰ پ.م، ابلیس V از ۳۳۰۰ تا ۲۸۰۰ پ.م، ابلیس VI همزمان با دوره جم‌دت نصر از حدود ۲۸۰۰ تا ۲۵۰۰ پ.م و دوره ابلیس VII مربوط به ۱۱۰۰ پ.م است.

تپه یحیی

تپه یحیی در فاصله ۲۲۵ کیلومتری جنوب شهر کرمان و در دره صوغان واقع شده است. این محوطه از سال ۱۹۶۷ م. تا سال ۱۹۷۵ م. به مدت هفت فصل از سوی گروه باستان‌شناسی دانشگاه هاروارد به سرپرستی لمبرگ-کارلوفسکی مورد کاوش قرار گرفت و دارای شش لایه استقرار است (Lamberg-Karlovsky, 1972: 89). بر اساس تاریخ‌گذاری‌های جدید لایه ۷b-c مربوط به ۵۳۰۰ تا ۴۷۰۰ پ.م، لایه ۷a مربوط به ۴۷۰۰ تا ۴۱۰۰ پ.م و لایه ۷c مربوط به ۳۳۰۰ تا ۲۹۰۰ پ.م است (اسکندری، ۱۳۹۷: ۳۴). وقفه فرهنگی بین دوره پایانی ۷a و آغاز ۷c در جدول گاه‌نگاری منطقه جنوب شرق ایران با فرهنگ ورامین و دوره آغاز ایلامی است که سفال‌های آن تحت عنوان سفال کرمان نیز معرفی می‌شوند (اسکندری، ۱۳۹۹: ۵۰).

منطقه جیرفت

دشت جیرفت یکی از مهم‌ترین مناطق باستانی در منطقه کرمان به شمار می‌رود که محوطه‌هایی چون کُناَر صندل جنوبی و شمالی، محوطه‌آباد، گورستان قلعه کوچک، تپه حسین‌آباد، ورامین و



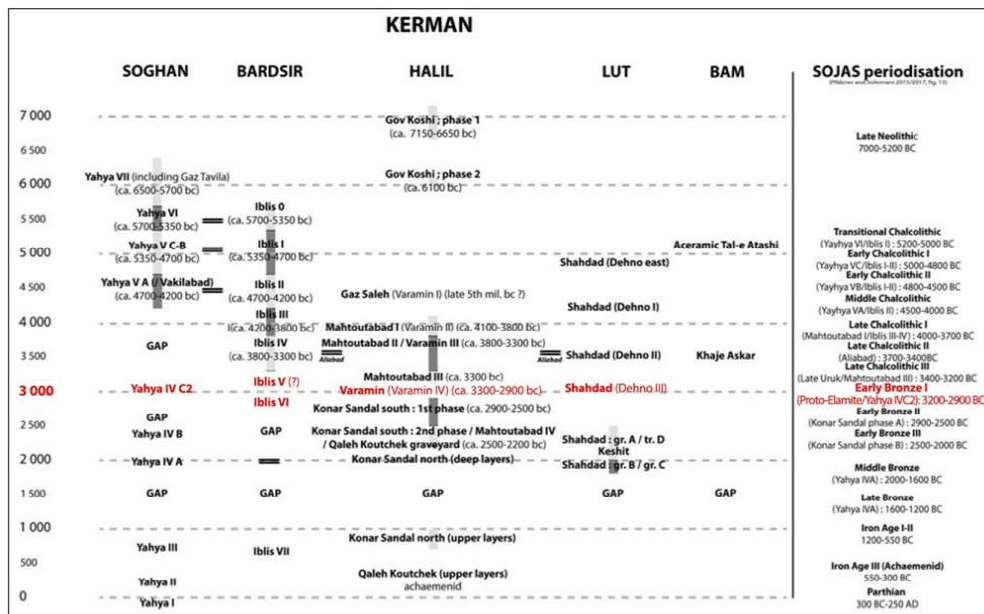
بررسی و مطالعه ظرف
سفال پایه مخروطی
دوره مفرغ قدیم ۱
حوضه هلیل‌رود

محوطه ورامین در ۲۷ کیلومتری جنوب شهر جیرفت، در دشت جیرفت قرار دارد. این محوطه شامل گورستان، بافت استقرار و بخش کارگاهی است که از دوره‌های مس و سنگ، مفرغ، ساسانی؟ و قرون میانه اسلامی مسکونی بوده است. کاوش در این محوطه موجب شد گاه‌نگاری و توالی فرهنگی جیرفت اصلاح شود. دوره ورامین I همزمان با فرهنگ گز صالح مربوط به نیمه دوم هزاره ۵ پ.م است (اسکندری، ۱۳۹۹: ۳۳-۳۰). دوره ورامین II با فرهنگ محطوط آباد I یا علی آباد قدیم شناخته می‌شود. این دوره بر اساس کاوش محوطه محطوط آباد، مربوط به هزاره پنجم تا چهارم پ.م (۳۹۰-۴۲۰ پ.م) و همراه با سفال‌های منقوش دورنگ است (Vidale and Desset, 2013: 247). دوره ورامین III بر اساس گاه‌نگاری جدید بین ۳۳۰۰-۳۸۰۰ پ.م و همزمان با محطوط آباد II در حوضه هلیل رود است (اسکندری، ۱۳۹۹: ۳۳). دوره ورامین IV یا فرهنگ ورامین مربوط به ۳۳۰۰ تا ۲۹۰۰ پ.م و همزمان با دوره یحیی IVC است (همان: ۵۰). پنجمین دوره فرهنگی محوطه ورامین، دوره کنارصندل جنوبی همزمان با دوره شهرنشینی در حوضه هلیل رود و مطابق با ۲۹۰۰ تا ۲۶۰۰ پ.م است (همان: ۳۵) (جدول ۱).



■ تصویر ۳: نقشه جنوب شرق فلات ایران و محدوده دوره مفرغ این منطقه- حوضه آبرفتی هلیل رود در اینجا با یک مستطیل مشخص است. محدوده‌های کنارصندل، قلعه کوچک، محطوآباد، ریگ انبار و تپه ورامین در این مستطیل قرار دارند. (برگرفته از Eskandari et al, 2020:25)

■ جدول ۱. جدول گمانگاری دوره پیش از تاریخ حوضه هلیل رود و مقایسه با مناطق همجوار در منطقه کرمان (Eskandari et al, 2021:6)



فرهنگ سفالی ورامین (ورامین IV) و مشابهت فرهنگی با ظرف سفالی پایه مخروطی

در گاه‌نگاری حوضه هلیل رود، پس از دوره علی آباد شواهدی از عوامل بومی و محلی به دست آمد که به عنوان دوره ورامین شناخته می‌شود (Moradi, 2021:227). این دوره در تپه ورامین بازه زمانی ۳۳۰۰ تا ۲۹۰۰ پ.م را در بر می‌گیرد که سفال‌های آن در دو طیف سنت سفالی دوره قبل (فرهنگ علی آباد) و سنت سفالی بومی شناخته می‌شود (اسکندری، ۱۳۹۹: ۴۲-۳۷).

سفال‌های علی آباد در بازه زمانی ۳۸۰۰ تا ۳۳۰۰ پ.م، در یک گستره جغرافیایی وسیع از دشت شهداد، دره هلیل رود (محوطه‌های چون تپه کنارصندل جنوبی و محطوط آباد II)، مکران، بلوچستان ایران و بلوچستان پاکستان به دست آمد (ملاصالحی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۹-۶۰). فرهنگ علی آباد شامل پنج گروه سفالی علی آباد ساده، علی آباد منقوش، علی آباد دو رنگ، علی آباد جلا دار و علی آباد با نوار برجسته است (Caldwell, 1967:182-188). به جز سفال‌های علی آباد با نوار برجسته، بقیه سفال‌های علی آباد دست‌ساز و از لعاب گلی غلیظ نخودی در پوشش سفال‌ها استفاده شده است.

نقوش سفال‌های علی آباد هندسی و بدون ظرافت است که با رنگ‌های سیاه و قرمز یا سیاه و سبز بر روی زمینه نخودی اجرا شده است (ویت و دایسون، ۱۳۸۲: ۷۶-۷۷). نمونه سفال‌های علی آباد را در تپه یحیی لایه IVC (Lamberg-Karlovsky and potts, 2001:66)، محطوط آباد لایه III (Desset) et al, 2013:38)، گورستان خواجه عسگر (ملاصالحی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۶) و میری قلات لایه IIIa



بررسی و مطالعه ظرف
سفالی پایه مخروطی
دوره مفرغ قدیم I
حوضه هلیل رود

(Moradi, 2021: 223) می‌توان مشاهده کرد.

سنت سفالی بومی در فرهنگ سفالی ورامین شامل ظروف ضخیم و دست‌سازی است که با ضربه‌های ضخیم و یک‌دست قلم‌مو رنگ‌آمیزی شده‌اند. طراحی‌ها نسبتاً ساده و تکراری اما منظم‌تر و از نظر بصری متعادل‌تر از سفال‌های علی‌آباد است. این طرح‌ها شامل زنجیره‌های لوزی، مثلث، صلیب، طاق‌های تزئینی و طرح‌های ساعت‌شنی است که با خطوط مورب یا متقاطع در دو رنگ قهوه‌ای تیره و نارنجی طراحی شده‌اند. نمونه سفال‌های سبک بومی ورامین از محوطه ورامین لایه IV و قبرستان ریگ انبار به‌دست آمده است (Eskandari et al, 2021: 11).

ظرف به‌دست آمده از نظر ویژگی فرمی و نقشی بسیار شبیه به فرهنگ ورامین در گاه‌نگاری حوضه هلیل‌رود یا دوره ورامین IV در محوطه ورامین است. دوره ورامین در تاریخ‌گذاری جنوب شرق ایران هم‌زمان با یحیی IVC، بمپور I-V، ابلیس IV است (اسکندری، ۱۳۹۹: ۵۰). فرم ظرف، نقوش و شیوه اجرای آن را می‌توان در نمونه‌های به‌دست آمده از محوطه ورامین مشاهده کرد. برخی نقوش ظرف مشابه نمونه سفال‌های به‌دست آمده از محوطه‌های یحیی، دهنو و قلعه گنج است (تصویر ۴). با این حال نقش اصلی ظرف که استلیزه درخت سرو است از محوطه‌های هم‌دوره مذکور یافت نشد، با اینکه نمونه‌هایی نزدیک به این طرح از در دوره شوش III به‌دست آمده (Le Breton, 1957: Plate XXVI) اما به نظر می‌رسد این نقش نمونه بومی-محلی باشد.

نتیجه‌گیری

مطالعه آثار و داده‌های حاصل از حفاری‌های غیرعلمی اغلب بر اساس احتمالات و فرضیات انجام می‌شود. این مسئله موجب می‌شود که استناد به این آثار، حتی اگر برخی از آن‌ها به عنوان شاخص تاریخی به حساب آیند، با چالش‌هایی مواجه شود.

یکی از این آثار، ظرف سفالی پایه‌مخروطی موجود در پردیس موزه‌ای دفینه است که با ارتفاع ۵۵ سانتی‌متر به صورت دست‌ساز با کیفیت ساخت مرغوب، پوشش گلی غلیظ و نقوش هندسی در دو رنگ مشکی و اخرايي اجرا شده است. نقوش به کار رفته در این ظرف به‌وضوح برگرفته از نقوش هم‌عصر خود است و در کنار آن ویژگی‌های بومی-محلی منطقه را نیز دارد. بررسی فرم، شیوه اجرا و نقوش این ظرف در مقایسه با داده‌های سفالی حاصل از کاوش‌های باستان‌شناسی در محوطه‌های یحیی، ورامین، محوطه‌آباد، قلعه گنج و دهنو نشان می‌دهد که ظرف مذکور به فرهنگ حوضه هلیل‌رود در اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد (۳۳۰۰ تا ۲۹۰۰ پ.م) بسیار نزدیک است. دوره مذکور در حوضه هلیل‌رود با فرهنگ ورامین (یا دوره ورامین IV در محوطه ورامین) شناخته می‌شود. سفال‌های این دوره تحت تأثیر فرهنگ سفالی دوره پیشین- فرهنگ علی‌آباد- و سبک‌های بومی-محلی قرار دارند. مقایسه ظرف سفالی پایه‌مخروطی با داده‌های به‌دست آمده از محوطه ورامین، شباهت‌های آشکاری





۱۳۲



منابع

- اسکندری، نصیر (۱۳۹۷)، ارزیابی گاه‌نگاری دوره مس‌وسنگ جنوب شرق ایران: گاه‌نگاری مطلق (C۱۴) و نسبی تپه دهنو شرقی شهداد با استفاده از روش طیف‌سنج جرمی شتاب‌دهنده (AMS)، مجله پژوه‌های باستان‌سنجی، سال ۴، شماره ۱، صص: ۲۳-۳۵
- اسکندری، نصیر (۱۳۹۹)، نتایج پروژه پیش از تاریخی محوطه ورامین: معرفی مرحله اولیه تمدن جیرفت، مجله مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۱۳، سال چهارم، صص: ۲۷-۵۳.
- حیدری، نوذر (۱۴۰۲)، محوطه پیش از تاریخی رحیم‌آباد پشت‌رود و نگاهی مقدماتی به منظر فرهنگی بم در هزاره چهارم و سوم پ.م، مجله جامعه باستان‌شناسی ایران، سال چهارم، صص: ۳۵-۵۶.
- شهسواری، میثم و سید محمد طیبی (۱۳۹۳)، سیری در پژوهش‌های باستان‌شناسی استان کرمان، مجله مطالعات ایرانی، شماره ۲۶، صص: ۸۹-۱۱۸.
- کشوری، زهرا (۲۲ دی ۱۴۰۰)، "باستان‌شناسان رفتند حفاران آمدند"، روزنامه ایران، سال بیست و هفتم، شماره ۷۸۲۲، ص ۹.
- مرتضایی، محمد، سلمان انجم‌روز و محمد رضا محمدی مقدم (۱۳۹۹)، بررسی و مطالعه محوطه‌های پیش از تاریخ (دوران مس و سنگ و عصر مفرغ) شهرستان قلعه گنج (بخش چاه دادخدا)، مجله مطالعات باستان‌شناسی پارسه، شماره ۱۲، سال چهارم، صص: ۷-۲۷.
- ملاصالحی، حکمت‌الله، مژگان شفیعی، بهمن فیروزمندی شیره‌جینی، نادر علیدادی سلیمانی و نصیر اسکندری (۱۳۹۳)، خواجه عسکر: گورستانی از هزاره چهارم پیش از میلاد در جنوب شرق ایران از داده‌های مشهود تا بوده‌های مفقود، مجله پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، شماره ۶، دوره چهارم، صص: ۴۷-۶۴.
- ویت، مری.م و رابرت هنری دایسون (۱۳۸۲)، گاه‌نگاری ایران از حدود هشت‌هزار تا دو هزار پیش از میلاد، ترجمه اکبر پورفرج و احمد چایچی امیرخیز، تهران: انتشارات نسل باران.



- Caldwell J.R (1967), Investigation at Tall i Iblis. Illinois Museum. Preliminary reports. Vol. 9. Illinois State Museum Society. Springfield.
- Desset, François, M. Vidale and N. Alidadi Soleimani (2013), Mahtoutabad III (Province of Kerman, Iran): An "Uruk-Related" Material Assemblage in Eastern Iran, Iran, Vol. 51(1). pp: 17–54
- Eskandari, Nasir (2017), Excavations at the Prehistoric Sites of Tepe Dehno and Tepe East Dehno, Shahdad, Southeastern Iran, Iranian Journal of Archaeological Studies, Vol.7, pp:45-65
- Eskandari, N., F. Desset, M. Hessari, M. Shahsavari, M. Shafiee, and M. Vidale (2020). "A Late 4th to Early 3rd Millennium BC Grave in Hajjiabad-Varamin (Jiroft, South-Eastern Iran): Defining a New Period of the Halil Rud Valley Prehistoric Sequence." *Iranica Antiqua* 55: 1–48
- Eskandari, Nasir, François Desset, Mojgan Shafiee, Meysam Shahsavari, Salman Anjamrouz, Irene Caldana, Ali Daneshi, Ali Shahdadi & Massimo Vidale (2021): Preliminary Report on the Survey of Hajjiabad-Varamin, a Site of the Konar Sandal Settlement Network (Jiroft, Kerman, Iran), Iran, DOI: 10.1080/05786967.2021.1936595
- Lamberg-Karlovsky, C.C (1972), Tepe Yahya 1971: Mesopotamia and the Indo-Iranian Borderlands, Iran, Vol. 10, pp:89-100
- Lamberg-Karlovsky, C.C and Daniel T. Potts (2001), Excavations at Tepe Yahya, Iran 1967-1975- The Third Millennium, Harvard University, Cambridge
- Le Breton, L (1957), The Early Periods at Susa, Mesopotamian Relations, Iraq, Vol.19, No.2, pp: 79-124
- Moradi, Hossin (2021), Cultural dynamics of the second half of the fourth millennium BC and the roots of early urbanization in southeastern Iran (3500-3000 BC), *Journal of Archaeological Studies*, Vol 12, Number 24, PP: 221-238
- Stien, A (1937), Archaeological Reconnaissance in North Western India and South Eastern Iran, London.
- Vidale, Massimo and François Desset (2013), Mahtoutabad I (Konar Sandal South, Jiroft): preliminary evidence of occupation of a Halil Rud site in the early fourth millennium BC, IN *Ancient Iran and its Neighbors*, Edited by: Cameron A. Petrie, The British Institute of Persian Studies, Oxbow Books, Oxford, UK



بررسی و مطالعه ظرف
سفال پایه مخروطی
دوره مفرغ قدیم
حوضه هلیل رود